



### ✦ مرتضی پهلویان - خرم آباد

از دبیران زبان و ادبیات فارسی خرم آباد است که تاکنون مقالاتی چند از وی در رشد ادب چاپ شده است. عمدتاً مطالبات وی در حوزه‌ی ادبیات داستانی است و چهار سال نیز در حوزه هنری تهران مشغول تحصیل در این رشته بوده است.

### کلیه واژه‌ها

موش‌ها و آدم‌ها، نماد، رمان، ادبیات، بیداری، جان اشتاین بک، عناصر داستانی، زاویه دید، طرح، درون مایه، شخصیت پردازی، لحن.

برای این رمان، اثر جان اشتاین بک (۱۹۶۸-۱۹۰۲ میلادی)، ویژگی‌هایی به شرح زیر می‌توان بیان کرد:  
ایهام آمیز است: هریک از دو واژه‌ی «موش‌ها» و «آدم‌ها» در بردارنده‌ی این مفاهیم است: الف- موش‌ها: ۱- انسان‌های چون موش، ترسو و ناتوان در مقابله با تله‌ی نیاز و اهرم ستم (مفهوم نمادین) ۲- جوونده‌ی معروف ب- آدم‌ها: ۱- مالکان و کارفرمایان، کسانی که فقط خود را انسان می‌دانند و برای کارگران جز به عنوان یک ابزار، ارزشی قائل نیستند. ۲- انسان‌ها، آدمی‌زاد

نمادین است: موش در این رمان علاوه بر دلالت بر معنای رایج و ظاهری خود،

### چکیده

در خود آزمایی‌های درس هشتم ادبیات فارسی سال دوم متوسطه پرسشی در مورد این رمان، ذیل معرفی رمان معروف «کلبه‌ی عمونم» انجام گرفته است که انگیزه‌ی نویسنده در نگارش این مطلب شده است. در کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) نیز در صفحه‌ی ۲۱۸ این رمان به اختصار معرفی شده است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد با شیوه‌ی عملی این داستان را از منظر عناصر داستانی تحلیل نماید. گفتنی است این اثر در قلمرو ادبیات رنالیستی و در حوزه‌ی ادبیات پایداری جای می‌گیرد و داستانی نمادین است که فاصله‌ی طبقاتی را نشان می‌دهد. شخصیت پردازی‌های داستان هنرمندانه، لحن شخصیت‌ها هماهنگ با ابعاد فکری و فرهنگی آن‌هاست و به لحاظ درون مایه نیز حرف‌ها و پیام‌هایی غیر صریح دارد.

به طرز زیبا و هنرمندانه‌ای نیز معنای نمادین یافته است. موش در این جا نماد کارگران مفلوک و کم چرتی است که هم چون موش در چنگال اربابان خود اسیرند و به زندگی نکبت بار و فلاکت آمیزی که دارند، عملاً راضی هستند. این انسان‌ها حتی از داشتن آسایشگاهی با امکانات رفاهی ابتدایی محروم‌اند و با وجود تلاش فراوانی که می‌کنند، دست مزد اندکی می‌گیرند؛ دست مژدی که صرفاً برای گذران حال است و آینده‌ی آن‌ها را تأمین نمی‌کند.  
جان اشتاین بک، عنوان این رمان را از یک شعر معروف رابرت برنز (۱۷۹۶-۱۷۵۹) بزرگ‌ترین شاعر اسکاتلندی برگرفته است؛ آن‌جا که می‌گوید: «چه بسیار نقشه‌های موش‌ها و آدم‌ها که نقش بر آب است.»<sup>۱</sup>

تعیین کننده‌ی مرزهاست: از دو سنخ بودن عنوان رمان، «موش‌ها» از یک سو و «آدم‌ها» از سوی دیگر، بیانگر مرزها و فاصله‌هاست، فاصله‌ها و تفاوت‌هایی که بین کارگران و کارفرمایان در بخش‌های مختلف داستان دیده می‌شود و آن‌ها را خود به خود در دو صف «فقر» و «غنا» قرار می‌دهد.  
اکنون نظری هم به عناصر داستانی رمان داشته باشیم:  
۱- شخصیت‌ها (Characters): برای سهولت کار و شناخت بهتر شخصیت‌های این داستان، آن‌ها را می‌توان به دو دسته‌ای اصلی و فرعی تقسیم کرد. شخصیت‌های اصلی آن «جورج» و «لنی» و بقیه چهره‌های فرعی هستند.

زاویهی دید در این رمان، سوم شخص مفرد از گونهی دانای کل است. نویسنده (دانای کل) به زوایا و خفایای داستان محیط است و از آنچه که اتفاق می افتد آگاهی دارد. در داستان های رئالیستی، چون نویسنده قصد به تصویر کشیدن لایه های زیرین و زیرین جامعه و توصیف روحیات و رفتارهای اجتماعی

است که جورج در گذشته برای لنی ایجاد کرده است...  
«لنی» این مرد به رغم هیکل درشت و نیرومندش، عقلی کوچک دارد و بدون حمایت جورج نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد. او پیوسته از مزرعه ای که قرار است خریداری کنند، حرف می زند و در عالم خیال در آن به سر می برد و زندگی می کند...  
۲- زاویهی دید (Point of view):

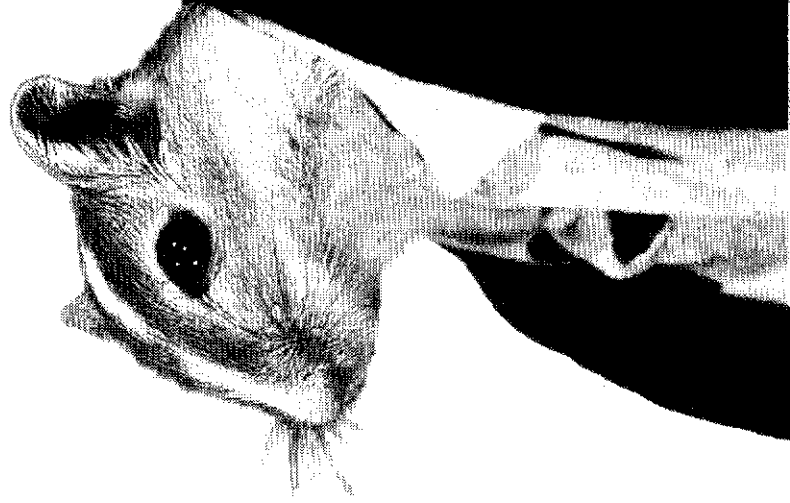
«جورج»، کارگری است کوچک اندام، دنیا دیده، متکی به عقل و در عین حال دلسوز، دلسوزی جورج به ویژه در ارتباط با «لنی»، دوست نیمه عاقلش، مصداق کامل دارد و پیوسته خود را نشان می دهد. جورج با این که به راحتی می تواند لنی را رها کند و از اعمال نسجیده و کودکانه اش آسوده شود، هم چنان با اوست و ترکش نمی کند. سبب این احساس تعهد و دل بستگی، حادثه ای



# موش ها و آدم ها

تحلیل داستان  
موش ها و آدم ها  
از منظر  
عناصر داستانی





که بین

آن‌ها وجود دارد، به پدیده‌ی ناخوشایند «فاصله‌ی طبقاتی» می‌رسیم. در این خصوص کارگرانی را می‌بینیم که با تحمل بیش‌ترین رنج و سختی، کم‌ترین دست‌مزد را دریافت می‌کنند و از هرگونه امکانات مناسب زندگی بی‌بهره‌اند، درحالی‌که در مقابل آن‌ها، افرادی دیده می‌شود که بدون هیچ رنج و زحمت از هر نعمتی برخوردارند و فارغ از دردها و دغدغه‌های کارگران شاد می‌گذرانند و فرمان می‌دهند.

در این ارتباط آن‌چه که از کارگران انتظار می‌رود، اعتراضی همگانی و اقدام علیه این روند ناعادلانه است؛ اما از سوی آن‌ها جز حرکت‌هایی فردی و بی‌ثمر، اقدامی صورت نمی‌گیرد و اتّفاقی نمی‌افتد. «جان‌اشتاين بک» با طرح این موضوع و این روابط غیرمستقیم بیان می‌کند که برای محو فقر و احقاق حق، تلاش فردی مؤثر نیست، مصاف فردی یک ستم‌دیده با ستم‌پیشه، هم چون مصاف «موش‌ها» با «آدم‌ها» است؛ پیکاری نابرابر که جز نابودی «موش‌ها» نتیجه‌ای ندارد. برای رویارویی با ستمگر و فائق شدن بر او توانی همگون و کارساز لازم است، توانی که بتواند چون شیر بر او غرش کند و چون بید به لرزه‌اش افکند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این اندیشه، که درون‌مایه‌ی اصلی رمان است، تنهایی انسان‌ها، جست‌وجو برای معاش، امیال نامحدود بشری، دوستی‌های ناپایدار و رنگ‌باختن آرزوها، موضوعات دیگری هستند که در لابه‌لای این رمان مطرح و پرداخت شده‌اند؛ موضوعاتی که آن‌ها را به صورت گزاره‌هایی ساده می‌توان بیان کرد:

الف- بحران عاطفی و اقتصادی،

موجب تنها شدن انسان‌هاست.

ب- نداشتن معاش، انسان را به

گلوله او را از بین می‌برد. با حادث شدن این وقایع، امیدهای جورج برای رهایی رنگ می‌بازد و محکوم به ماندن می‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود آن‌چه که در این قسمت «طرح» ذکر گردید، دربردارنده‌ی حوادث و رویدادهای اصلی رمان و علل منطقی ایجاد آن‌هاست؛ روابطی علّی و معلولی که اصطلاحاً «طرح» نام دارد و اسکلت داستان را تشکیل می‌دهد.

۴- درون‌مایه (theme): به تعبیر بسیاری از تحلیل‌گران و مفسران، دشوارترین مرحله‌ی تحلیل در داستان‌های امروزی تشخیص درون‌مایه است. نویسنده‌ی این نوع داستان‌ها از آن‌جا که نمی‌خواهد داستانش به یکی از کلمات قصار اخلاقی و یا شعارهای سیاسی مبدّل شود، به طور غیر صریح حرف خود را بیان می‌کند و غیرمستقیم آن را در جای جای اثرش جاری می‌کند.

برای دریافت درون‌مایه توجه به عناصری از قبیل: عنوان اثر، حوادث داستان، اندیشه‌ها، نقطه‌ی اوج، نمادها و... و کنکاش در آن‌ها بسیار رهگشاست و خواننده را هرچه بیش‌تر در مسیر کشف آن یاری می‌دهد.

از تعمق در اجزا و عناصر مختلف رمان «موش‌ها و آدم‌ها» و هم‌چنین یافتن روابطی

افراد متفاوت را دارد، مناسب‌ترین زاویه‌ی دید، سوم شخص مفرد است؛ نظرگاهی که اشتاین بک به درستی آن را برای خلق موش‌ها و آدم‌ها برگزیده و ماهرانه به کار برده است.

۳- طرح (Plot): دو کارگر به نام‌های «جورج» و «لنی» که مدتی است بیکار شده‌اند و درآمدی ندارند، سرانجام در مزرعه‌ای بزرگ، کار پیدا می‌کنند و عازم آن‌جا می‌شوند. قبل از شروع کار، جورج، لنی را که کم‌خرد است و غیرارادی کارها را خراب می‌کند، توجیه می‌کند و از انجام هرگونه بی‌نظمی و کارخرابی برحذر می‌دارد. آن‌ها در این مزرعه که درآمد و امکانات رفاهی کافی ندارد، به امید رهایی از گرسنگی و خریدن مزرعه‌ای کوچک، هر رنجی را پذیرا می‌شوند و با جدیت کار می‌کنند. مدت زیادی از ورود آن‌ها به مزرعه‌ی بزرگ سپری نشده است که لنی در یک اقدام ناخواسته، عروس ارباب را می‌کشد و به ناچار از مزرعه می‌گریزد. دار و دسته‌ی ارباب وقتی از قضیه آگاه می‌شوند، به جست‌وجوی او می‌پردازند و قتلی دردناک برایش تدارک می‌بینند. جورج که نمی‌خواهد لنی دستگیر شود و قبیعانه به قتل برسد، تصمیم به کشتن دوست خود می‌گیرد و به‌رغم میل باطنی‌اش با شلیک یک

جست و جو و مهاجرت  
برای کار و ادار می کند.

ج- امیال نامحدود بشری، نابودی انسان  
و طبیعت را به دنبال دارد.

د- شرایط بد اقتصادی، سبب ناپایداری  
دوستی هاست.

ه- در جامعه ی ستم زده و گرفتار فقر،  
آرزو ها رنگ می بازند.

۵- لحن (tone): از آن جا که «موش ها  
و آدم ها» رمانی اجتماعی است و از  
محرومیت ها و مظلومیت های مردمی  
ستم زده سخن می گوید، لحنی که در آن دیده  
می شود کاملاً متناسب با محتواست با آن  
تضادی ندارد.

راوی این داستان با لحنی جدی و رسمی  
خواننده را در جریان رویدادهای آن قرار  
می دهد و بدون این که ردپایی از خود نشان  
دهد و نسبت به حوادث رمان موضع گیری  
کند، بی طرفانه آن ها را نقل می کند و بدون

جانب داری می گذرد. لحن

شخصیت های «موش ها و آدم ها» نیز  
هماهنگ با ابعاد فکری و فرهنگی آن هاست  
و فردیت آن ها را به خوبی بازگو می کند.

زبان محاوره، توأم با لحنی خشک و بسیار  
جدی که گاه اهانت آمیز می شود، ویژگی  
مشترک شخصیت های این زمان است.

چنین اوصافی حتی در گفتار «لنی» نیمه عاقل  
هم دیده می شود و او را بی نصیب  
نمی گذارد. لنی وقتی در حین بازی  
توله سگی را می کشد، خشمگین می شود و  
فریاد می زند: «مرده شورت بیره، چرا باس  
کشته بشی؟ تو که مٹ موش کوچیک  
نیسی سی»<sup>۳</sup>

زبان در این محیط به راحتی شکسته  
می شود و لباس محاوره می پوشد؛  
مختصه ای که در طول رمان غالباً ثابت  
می ماند و متناسب با فضای عاطفی آن،  
خشک و خشم آگین پیش می رود و گسترش  
می یابد.

### سخن آخر

همان طور که در سطرهای پیشین اشاره  
شد، «اشتاین بک» نویسنده ای رئالیست  
(واقع گرا) و «موش ها و آدم ها»، اثری  
رئالیستی (واقع گرایانه) است؛ ممیزات  
عمده ای که در این اثر دیده می شود و آن را  
در قلمرو مکتب ادبی رئالیسم (واقع گرایی)  
جای می دهد، به اختصار عبارت اند از:  
معمولی بودن قهرمانان و شخصیت های  
محوری، واقعی و فراگیر بودن موضوعات  
مطرح شده در آن، دوری از کشف و  
شهودهای عارفانه، فرغ بودن صور خیال و  
آرایه های ادبی، نمایش زشتی ها، سادگی  
زبان و گفتاری بودن آن؛ مختصه هایی که  
خاص آثار رئالیستی هستند و در آثار دیگر  
مکاتب ادبی قبل و بعد از رئالیسم، نمود  
کم تری دارند و به ندرت دیده می شوند.

### پی نوشت ها:

۱. موش ها و آدم ها، ترجمه ی پرویز داریوش، ص ۲.
۲. اشاره به سخنان اشتاین بک هنگام دریافت جایزه ی ادبی نوبل (بتگرید به موش ها و آدم ها، ترجمه ی گلبرگ برزین، ص ۱۲۷).
۳. موش ها و آدم ها، ترجمه ی پرویز داریوش، ص ۱۱۰.

- منابع:
۱. آکوت، میریام، رمان به روایت رمان نویسان، ترجمه ی دکتر علی محمد حق شناس، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
  ۲. ادبیات سال های دوم و سوم دوره ی دبیرستان، چاپ ۱۳۸۰.
  ۳. اسکولز، رابرت، عناصر داستان، ترجمه ی فرزانه ی طاهری، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷.
  ۴. اشتاین بک، جان، موش ها و آدم ها، ترجمه ی پرویز داریوش، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
  ۵. —، —، ترجمه ی ولی اله ابراهیمی، تهران، انتشارات سعیدی، چاپ اول، ۱۳۴۸.
  ۶. —، —، ترجمه ی گلبرگ زرین، تهران، انتشارات گل مهر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
  ۷. امید، جمال، فرهنگ فیلم های سینمای ایران (سه جلد)، تهران، انتشارات نگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
  ۸. پسرانه سی، رضا، قصه نویسی، تهران، نشر نو، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
  ۹. پارسی نژاد، کامران، ساختار و عناصر داستان، تهران، انتشارات حوزه ی هنری، چاپ اول، ۱۳۷۸.
  ۱۰. پک، جان، شیوه ی تحلیل رمان، ترجمه ی احمد صدراتی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
  ۱۱. تراویک، باکر، تاریخ ادبیات جهان (دو جلد)، ترجمه ی عربعلی رضایی، تهران، انتشارات فرزاد روز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
  ۱۲. حجوانی، مهدی، پیک قصه نویسی (پانزده جلد)، تهران، انتشارات حوزه ی هنری، چاپ اول، ۱۳۷۱.
  ۱۳. کنی، ویلیام پاتریک، چگونه ادبیات داستانی را تحلیل کنیم، ترجمه ی دکتر مهرداد تریابی نژاد و محمد حنیف، تهران، انتشارات زیبا، چاپ اول، ۱۳۸۰.
  ۱۴. مستور، مصطفی، مبانی داستانی کوتاه، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
  ۱۵. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران، انتشارات شفا، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
  ۱۶. ویلیس، ویگور، تاریخ ادبیات امریکا، ترجمه ی دکتر حسن جوادی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
  ۱۷. یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.

AGLOSS ary of  
Literary Terms,  
New York, 1970.

